



بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی چهار هزار شهید استان یزد - 10 / فروردین / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید. هر جایی که یاد شهیدان، نام شهیدان در آن مطرح بشود، برای امثال ماها که محروم از فیوضات عالی نازل شده‌ی بر آنها هستیم، شیرین و مطلوب خواهد بود. ان شاء الله که خداوند به شماها توفیق بدهد.

تقدیر از ابتکارات جالب مادّی و معنوی برای بزرگداشت شهیدای استان بسیار کار خوبی کردید که این بزرگداشت را با این شکل، با این فلسفه و مبنائی که آقایان بیان کردند تشکیل دادید. بنابراین بنده از همه‌ی دست‌اندرکاران این بزرگداشت و از همه‌ی کسانی که در این کار سهیم بودند صمیمانه تشکر میکنم؛ بخصوص که این کاری که شما شروع کردید و انجام دادید، با ابتکارات بسیار جالب و زیبایی همراه است؛ همین مسئله‌ی چهل خدمت به نیابت از ارواح طیّبه‌ی چهار هزار شهید که شما مطرح کرده‌اید و اینها را در سطح استان گسترش داده‌اید، کار بسیار زیبا و پرمعنا و مفیدی است که انجام داده‌اید؛ که تفصیل این چهل خدمت را جناب آقای ناصری بیان کردند. بنده هم برای اینکه این حرف منتقل بشود و منعکس بشود در فضای عمومی کشور، یک اشاره‌ای میکنم.

این چهل خدمت انواع و اقسام خدمات را شامل میشود؛ شما از غرس چهار هزار نهال بگیریید تا تهیّهی جهیزیه‌ی کامل، تا ایجاد ازدواج آسان، تا نام‌گذاری موالید - که این جزو مسائل مهمّی است که فعلاً خیلی‌ها به آن توجه ندارند، اما مسئله‌ی نام‌گذاری موالید، یکی از مسائل مهمّ فرهنگی کشور است، که یک حرکت نادرستی در این زمینه وجود دارد و شما در مقابل آن حرکت در واقع ایستاده‌اید - تا درمان رایگان تا بسته‌های معیشتی، تا بسته‌های فرهنگی، و تا چهار هزار ختم قرآن؛ یعنی همه چیز؛ از مسائل محسوس و مادّی و مربوط به متن زندگی گرفته تا مسائل معنوی و عروج معنوی مثل زیارت عاشورا و ختم قرآن و مانند اینها؛ این ابتکار بسیار برجسته‌ای است. یزدی‌ها اهل ابتکارند؛ این یکی از مهم‌ترین و زیباترین ابتکاراتی است که شما در این زمینه انجام داده‌اید.

سابقه‌ی ابتکارات یزدی‌ها در زمان جنگ

در جبهه هم همین جور بود، در جبهه هم ابتکارات یزدی‌ها را همه دیدند؛ بنده بعضی را دیدم، بعضی را هم شنیدم؛ مثلاً فرض کنید که از هنر حفر قنات یزد استفاده کردن و کانال‌هایی زیر زمین درست کردن برای نیاز رزمندگان، یا از زنان فعال خانه‌دار در داخل یزد برای [خدمت در] خیاط‌خانه استفاده کردن. خیاط‌خانه‌های وسیعی در یزد ایجاد شد؛ اوّل در یک مرکز، بعد گسترش پیدا کرد و مرحوم شهید صدوقی (۳) (رضوان الله علیه) تشویق کردند، تقدیر کردند، این کار رواج پیدا کرد که اینها لباس برای رزمندگان فراهم میکردند، تهیّه میکردند و میفرستادند به جبهه. یا در خود پادگان یا اردوگاه تیپ الغدیر که بنده [هم] رفتم، یک حمام ساخته بودند - که بنده داخل آن حمام رفتم - مثل حمام‌های خیلی خوب شهری: دوشهای متعدّد، سربینه‌ی (۴) حمام؛ اینها کارهای ابتکاری است، یعنی چیزهایی که انسان جاهای دیگر اینها را مشاهده نمیکرد؛ حالا کار نظامی و خط‌شکنی و مانند اینها به جای خود محفوظ. یزدی‌ها این [جور بودند]. قبل از انقلاب هم همین جور؛ اندکی قبل از انقلاب، این نوحه‌ی معروفی که در یزد خوانده شد، ما در مشهد آن را گرفتیم و شنیدیم - یکی [بود که] جهرمی‌ها خوانده بودند، یکی یزدی‌ها خوانده



بودند- مفاهیم و مسائل انقلابی را وارد نوحه‌ی سینه‌زنی کرده بودند و یک گسترش عظیمی به وجود آورده بودند؛ کار بزرگی بود.

حقّ عظیم یزدی‌ها بر انقلاب

یزدی‌ها حقّ عظیمی بر گردن خود انقلاب هم دارند و آن همین مسئله‌ی دهم فروردینی است که آقایان اشاره کردند. دهم فروردین در شرایط حسّاسی تشکیل شد؛ (۵) یعنی در تبریز کشتار شده بود، حرکت مردم سرکوب شده بود - البته قیام تبریز هم قیام فوق‌العاده‌ای بود- در یک چنین شرایطی یزدی‌ها جلسه‌ی اربعین تشکیل دادند و خود مرحوم شهید صدوقی شرکت کرد؛ البته مرحوم آقای فلسفی (۶) هم بود که منبر نرفت، آقای راشد (۷) و دیگران منبر رفتند و آن حوادث دردناک، اما از یک نظر بهجت‌آفرین به وقوع پیوست که نشان‌دهنده‌ی حرکت عظیم مردم یزد بود. اینها چیزهایی است که مهم است.

نقش برجسته‌ی شهید صدوقی در رهبری مردم یزد

البته در این زمینه نقش شهید صدوقی نباید فراموش بشود؛ شهید صدوقی فقط یک روحانی فعّال نبود، یک رهبر بود؛ بنده این را از نزدیک در یزد مشاهده کردم. در همان حدود ماه‌های مهر و آبان که بنده از تبعید برمیگشتم، از جیرفت آمدم رسیدم یزد و چند روز منزل آقای صدوقی ماندم، دیدم ایشان چه کار میکند؛ به معنای واقعی کلمه حرکت مردم را رهبری میکرد، فرماندهی میکرد، لحظه به لحظه تصمیم میگرفت؛ من در خانه‌ی ایشان از نزدیک شاهد بودم. البته از قبل هم شنیده بودم؛ وقتی در ایرانشهر یا جیرفت در تبعید بودیم، یزدی‌ها به خاطر آقای راشد که آنجا با ما بود می‌آمدند میرفتند، میگفتند وضع شهید صدوقی را؛ لکن آنچه من دیدم از نزدیک، به معنای واقعی کلمه ایشان رهبری میکرد در یزد؛ این نقش فوق‌العاده‌ی ایشان بود. البته در دوره‌ی جنگ تا ایشان حیات داشتند، همین حالت وجود داشت که جبهه بیاید، برود، تشویق کند؛ بعد از ایشان هم مرحوم آقای خاتمی (۸) (رضوان الله علیه) با آن سلامت نقّسی که داشت، با آن حقیقتی که در ایشان بود و بنده با ایشان خیلی زیاد مأنوس بودم و از نزدیک می‌شناختم ایشان را، ادامه‌دهنده‌ی همان راه بود. خداوند ان شاءالله درجات آنها را عالی کند.

شنیدن پیام شهدا؛ فلسفه‌ی برگزاری یادواره‌های شهدا

عزیزان من! یادواره‌ی شهدا برای شنیدن پیام شهید است. شهیدان پیام دارند برای ما، این پیام در قرآن نقل شده است؛ ما در حوادث روزمره‌ی زندگی، سرگرمی‌های گوناگون ضروری و غیر ضروری‌ای که ما را احاطه کرده و همین طور جاذبه‌های مختلفی که [ما را] به اینجا و آنجا میکشاند، احتیاج داریم که پیام شهیدان را بشنویم؛ و این کنگره‌ها و این بزرگداشت‌ها میتواند حامل پیام شهید به ما باشد.

پیام شهدا: (۱) بیان مقام عظیم شهدا

شهید هم پیامهای متعدّدی دارد؛ حالا اینکه قرآن -قول صادق حضرت حق (جلّ جلاله)- برای ما بیان میکند که «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ»، یک نکته این است که اینها زنده‌اند. خب در عالم برزخ خیلی‌ها زنده‌اند؛ اگر چنانچه زنده بودن شهدا هم از قبیل زنده بودن افراد دیگر بود، ذکر این لزومی نداشت که «أَحْيَاءٌ» بگویند؛ معلوم میشود این یک حیات خاصی است، یک نوع زنده بودن مخصوص شهدا است: عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ (۹) در محضر حضرت حقّ متعال قرار دارند و رزق الهی دائماً دارد به اینها میرسد؛ این مطلب اول: مقام باعظمت شهدا؛ که [البته] این در جواب منافقین است. در همان آیات قبل از این آیه در سوره‌ی آل عمران، منافقین



میگفتند که «لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قَتَلُوا»؛ (۱۰) اگر این جوانها به میدان جنگ نمیرفتند، حالا زنده بودند؛ حالا هم گاهی می‌شنویم، که اگر فلان کار نمیشد، فلان کس زنده بود. قرآن میگوید این جوری نیست که شما خیال میکنید: قُلْ فَادْرَعُوا عَنِ انْفُسِكُمُ الْمَوْتَ؛ (۱۱) اگر شماها ماندن را وسیله‌ی زنده ماندن میدانید، خب پس خودتان نمیرید؛ شما که اینجا نشسته‌اید، کاری کنید که مرگ به سراغ شما نیاید. بعد میفرماید که اینها زنده‌اند، اینها اموات نیستند؛ مفهوم مرده و زنده در این آیه عوض شده. اینها اصلاً مرده نیستند؛ جسم اینها که زیر خاک دفن میشود، شما خیال میکنید اینها میتند [لکن] اینها اموات نیستند، اینها زنده‌اند، اینها یک حیات برزخی [خاصی] دارند.

۲) شمول فضل و رحمت الهی بر شهدا

یکی هم این است: فَرَحِينِ يَمَّا آتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ [شادمانند به] آنچه خدای متعال به فضل و رحمت خود به اینها عنایت کرده؛ که [این فضل] بیش از استحقاق است. فضل یعنی آن زیادی‌ای که خدای متعال میدهد؛ شما که یک عملی انجام میدهید، خدا یک ثوابی برای آن معین کرده؛ این ثواب در مقابل این عمل است. فضل این است که علاوه‌ی بر آن ثواب، یک چیز دیگر هم به شما میدهند.

۳) خرسندی شهدا از دنبال‌روان‌شان به خاطر سرنوشت آنها

بعد آن وقت، پیام بعدی [این است]: وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۲) مستبشیرند - مستبشیر به کسی میگویند که یک بشارتی به او میرسد و او خرسند میشود، شاد میشود؛ این میشود مستبشیر - اینها میگویند ما برای شماهایی که به ما ملحق نشده‌اید و در راه ما هستید و حرکت شما به سمت هدف ما است، به خاطر آن سرنوشتی که منتظر شما است خوشحالیم، خرسندیم؛ آن سرنوشت چیست؟ الا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ شما بدانید که در آینده برای شما نه بیم وجود دارد، نه اندوه وجود دارد؛ [سرنوشت] شما که در راه ما دارید حرکت میکنید این است. ببینید این پیام شهدا به ما، پیام خیلی مهمی است؛ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ؛ خدا به شما نعمت خواهد داد، خدا به شما فضل خواهد داد؛ وَ أَنْ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۱۳) این حرکتی که شما دارید میکنید، پیش خدا پاداش دارد و خدا این پاداش را ضایع نخواهد کرد؛ اینها دارند به ما میگویند، دارند ما را تقویت میکنند، دارند به ما انگیزه میدهند، دارند ما را در این حرکت تشویق میکنند تا حرکت را محکم‌تر، قوی‌تر، مستدام‌تر، مستمرتر انجام بدهیم. خب حالا شما حرکت‌های مؤمنانه انجام داده‌اید؛ چهار هزار، چهارصد، چهل کار مهم انجام داده‌اید؛ اینها همان چیزی است که شهدا را خوشحال میکند، و اینها مستبشیر به این حرکت شما هستند، بشارت کارهای شما آنها را خرسند و خوشحال میکند؛ مستبشیرین.

خب این پیام شهدا است به من و شما تا بدانیم و حرکت را مراقب باشیم و از ذور نیندازیم و راه را ادامه بدهیم. این پیام شهدا درست نقطه‌ی مقابل آن پیامی است که دنیاطلبان به ما میدهند، وسوسه‌کنندگان به ما میگویند؛ وسوسه میکنند که «آقا چه فایده دارد؟ آخر چرا؟ چه کار دارید میکنید؟ چرا میروید؟!» درست نقطه‌ی مقابل آن، پیام این شهدای عزیز است.

تمجید از سلیقه‌ی خوب در کتاب‌سازی‌های شهدا

خب من دیدم این کتابهایی را که اینجا گذاشته بودید؛ حالا مجال نگاه کردن که در این فرصت نبود و نیست لکن من عناوین کتابها را که نگاه کردم، و سلیقه‌ای را که در ظاهر کتاب و کتاب‌سازی به کار رفته بود، تحسین میکنم، خیلی خوب بود؛ عکس شهید را روی کتاب درج کردند و کتابها، کتابهای متعددی بود و تصویرهای خیلی خوبی دیدم



اینجا نصب شده که همه‌ی اینها کارهای ابتکاری و کارهای خوبی است و کارهای دیگری که حالا آقایان اشاره کردند که انجام میگیرد.

لزوم تبیین هدف شهیدان برای رفتن به میدان جنگ: حمایت از انقلاب، امام و دین یک نکته را حتماً در این مجموعه‌ی کارها در نظر بگیرید و آن نکته، مسئله‌ی انگیزه‌ی شهیدان و هدف شهیدان است؛ [اینکه] شهیدان برای چه به میدان جنگ رفتند که به شهادت آنها منتهی شد؟ این مهم است. خب از نظر من و شما ممکن است واضح باشد؛ انگیزه‌ی آنها انقلاب بود، حمایت از امام بود، زنده نگه داشتن حرکت عظیم جمهوری اسلامی بود که دشمن میخواست آن را از بین ببرد و خاموش کند؛ لکن در این زمینه وسوسه صورت میگیرد، فلسفه‌بافی میکنند، حرف میزنند برای اینکه این را نفی کنند؛ این را تقویت کنید. هدفشان عبارت بود از حمایت از انقلاب، حمایت از امام، حمایت از دین؛ ببینید در بسیاری از این وصیئنامه‌ها اسم مبارک امام هست، مسئله‌ی حجاب هست، مسئله‌ی انقلاب هست؛ اینها انگیزه‌ی آنها است. و آرمان آنها هم همین است که کشور و جامعه به هدفهای انقلاب اسلامی دست پیدا کند؛ آرمان آنها این است و میروند برای اینکه این کار انجام بگیرد؛ میروند در مقابل این دشمنی که آمده تا خط انقلاب را قطع بکند و نظام جمهوری اسلامی را که بر اساس این انقلاب است بر هم بزند، سینه سپر کنند و بایستند و او را دفع کنند که توانستند، این کار را هم کردند و خودشان هم شهید شدند. این یک نکته است.

لزوم معرفی همه‌ی شهدا و برجسته کردن آنها در چشم جوانان یک نکته‌ی دیگر معرفی چهره‌های پرافتخار این شهدا به جوانان است؛ خب، من دیدم حالا این نام شهدای بزرگ و برجسته وجود دارد؛ به اینها اکتفا نکنید. آن طور که به من گزارش کردند، در بین شهدای یزد هزار شهید دانش‌آموز هست؛ یعنی از این چهار هزار شهید، هزار نفرشان شهدای دانش‌آموزند؛ این چیز خیلی مهمی است. [طبق] آنچه به من گزارش کرده‌اند، میگویند متوسط سن شهدای یزد ۲۳ سال است، یعنی حدود نصف از اینها سَنّشان کمتر از ۲۰ سال بوده؛ نوجوان‌ترین شهید دفاع مقدس یزدی است؛ یک بچّه‌ی دوازده سیزده ساله؛ اینها مهم است، اینها را برجسته کنید، اینها را نشان بدهید - هزار شهید دانش‌آموز - تا دانش‌آموز امروز بفهمد که نسل قبل در این دوره و در این سنین چه هنر بزرگی انجام داده، چه کار بزرگی انجام داده؛ اینها چیزهای مهمی است که باید به اینها توجه کرد.

لزوم تلاش برای حفظ جوانها از وسوسه‌ی دشمن توجه داشته باشید که دشمن - من که مدام تعبیر دشمن [را بیان] میکنم، یک عده‌ای ناراحت میشوند که چرا فلانی مدام میگوید دشمن؛ بله، باید تأکید کرد تا مردم فراموش نکنند که دشمنشان در کمین است - به طور دائم دارد کار میکند برای اینکه جوانها را مایوس کند، منحرف کند، از راه باز بدارد؛ آنهایی را که معتقد نیستند غرق در فساد کند، و آنهایی را که معتقدند منحرف و زاویه‌دار از خط انقلاب کند؛ دشمن دائم دارد برنامه‌ریزی میکند. خیلی از برنامه‌های دشمن برای ما - حالا شاید نه همه اما خیلی‌هایش - گزارش میشود، ما میفهمیم، اطلاع پیدا میکنیم؛ در مقابلش تلاش شما بایستی این باشد که جوانهایتان را حفظ کنید و میتوانید این کار را بکنید. نگذارید وسوسه‌ی دشمن در جوانها اثر بگذارد و بتواند آنها را سرد کند و در نهایت به خدمت بگیرد.

لزوم ثبت خاطرات والدین و همسران شهدا جهت روشن شدن فضای خانوادگی یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی خاطرات والدین شهدا است. البته خیلی از والدین شهدای دوران جنگ تحمیلی و



دفاع مقدس متأسفانه قبل از اینکه از آنها خاطراتی گرفته بشود از دنیا رفته‌اند لکن بعضی هنوز بحمدالله حیات دارند؛ یا پدر یا مادر. البته خاطرات همسران خیلی مهم است، آنها هم بایستی گرفته بشود و خوشبختانه بسیاری از آنها هستند، لکن خاطرات پدر و مادر شهدا بخصوص از این جهت مهم است که فضای داخلی خانواده‌ی شهیدپرور را برای ما تصویر میکند. این خانواده‌ای که سه جوانش شهید میشوند - اینجا الان چند کتاب درباره‌ی سه شهید و دو شهید هست؛ این خانواده‌ای که سه جوانش شهید میشوند: یک جوانش اول شهید میشود، بعد دوقلوها در یک روز شهید میشوند؛ در یک روز این دوقلوها به دنیا می‌آیند، در یک روز هم شهید میشوند - چه کار میکرد؟ چه جوری اداره میشد؟ پدر و مادر چه کار میکردند که این جور انگیزه و حرکت و هیجان در این جوانها به وجود می‌آید که پا میشوند میروند جبهه؟ این مهم است، و به اینها باید توجه کرد. خاطرات پدرها و مادرها [مهم است]. البته خاطرات همسرها هم بسیار مهم است؛ خصوصیات خانوادگی و فضای خانوادگی جزو چیزهایی است که بایستی ثبت بشود.

لزوم تلاش مضاعف در راه حق

متأسفانه امروز کسانی هستند که در زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی و به برکت مجاهدت همین شهیدان و رزمندگان و ایثارگران و امثال اینها دارند با امنیت و آزادی زندگی میکنند و ۱۸۰ درجه بر خلاف خواسته‌های آنها و اهداف انقلاب کار میکنند و حرکت میکنند! اینها باید برای خودشان روشن کنند که جواب این خونهای پاک را چه جور خواهند داد. شما در مقابل، تلاشتان را در راه حق، در راه صحیح، در راه انقلاب مضاعف کنید.

ان شاء الله خدای متعال از شما راضی باشد؛ قلب مقدس ولی عصر ان شاء الله از شماها راضی باشد و مشمول دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) باشید؛ و ارواح طیبه‌ی این شهدا ان شاء الله از شماها راضی باشند و شماها را دعا کنند؛ و ان شاء الله توفیقات الهی در کارهای بزرگ و مهمی که در پیش روی ما و در پیش پای ما است و باید انجام بدهیم، نصیب همه‌ی ماها بشود. به مردم عزیز یزد هم از قول بنده سلام برسانید.

والسلام علیه و علیکم و رحمة الله

(۱) در ابتدای این دیدار حجّت الاسلام والمسلمین محمد رضا ناصری یزدی (نماینده‌ی ولی فقیه و امام جمعه‌ی یزد)، آقای محمد علی طالبی (استاندار یزد) و سرتیپ رضا پورشمسی (فرمانده سپاه الغدیر یزد و دبیر کنگره) گزارشات را ارائه کردند.

(۲) آیت الله محمد صدوقی (نماینده‌ی ولی فقیه در استان، امام جمعه‌ی یزد و سومین شهید محراب) که در ۱۱ تیر ۱۳۶۱ پس از اقامه‌ی نماز جمعه به دست منافقین به شهادت رسید.

(۳) رخت کن

(۴) در دهم فروردین ۱۳۵۷، مردم یزد در مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهدای تبریز که به دعوت آیت الله صدوقی برگزار شده بود، شرکت کردند که پس از اتمام مراسم در خیابانها دست به تظاهرات زدند که با حمله‌ی نیروهای



رژیم طاغوت به شهید و زخمی شدن جمعی از مردم منجر شد.

(۵) حجّت الاسلام محمدتقی فلسفی

(۶) حجّت الاسلام محمدکاظم راشدیزدی

(۷) آ، الله
الله
ذ فقیه ولیّ در خاتمی استان و
امام جمعه‌ی یزد)

(۸) سوره آل عمران، آیه‌ی ۱۶۹

(۹) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۶

(۱۰) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۸

(۱۱) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۰

(۱۲) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۱